

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

عباس رحیملو^۱

سید محمود طیب حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴، صفحه ۱۹۱ تا ۲۱۱ (مقاله پژوهشی)

چکیده

دو بار در قرآن، در آیات ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران، تعبیر «مقام ابراهیم» به کار رفته است. بسیاری از مفسران، مصداق این عنوان قرآنی را سنگ معروف قدمگاه ابراهیم(ع) در نزدیکی کعبه دانسته‌اند. اما این مصداق‌شناسی در تبیین دلالت این آیات در بافت نزول آنها، با چالش‌هایی از نظر تاریخی و از نظر ساختار متن روبرو است. پرسش اصلی این نوشتار آن است که آیا این دو آیه در بافت نزول خود، تنها می‌خواسته‌اند درباره سنگ قدمگاه/ابراهیم پیامی را به مخاطبان خویش منتقل کنند یا اینکه با گزینش عنوان «مقام ابراهیم»، در پی گفتمانی دیگر بوده‌اند؟ در این پژوهش، با شیوه تحلیل ساختار متن، گفتمان تاریخی قرآن از این عنوان در بافت نزول مورد واکاوی قرار گرفت و با تحلیل ساختار زبانی «تجربید»، آشکار شد عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» دچار تغییر انگاره، از نوع تزیینی دامنه معنا شده است؛ این عنوان قرآنی در بافت نزول، در معنای «عبادتگاه ابراهیم» و برای همه «خانه خدا»، نه فقط «سنگ قدمگاه»، به کار رفته است. قرآن با معرفی «خانه خدا» با عنوان «مقام ابراهیم»، در پی زمینه‌سازی دستور تغییر قبله (در آیه ۱۲۵ بقره) و پشتیبانی نظری از این دستور (در آیه ۹۷ آل عمران)، در برابر خرده‌گیری‌های یهودیان مدینه و گفتمان آنها از «بیت‌المقدس» بوده است.

کلیدواژه‌ها: مقام ابراهیم، تغییر قبله، تفسیر تاریخی، تغییر انگاره، تجرید، دانش بدیع.

^۱ پژوهشگر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول): abbasrahimloo@gmail.com

^۲ استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: tayebh@rihu.ac.ir

درآمد

هر «متنی»، دارای پیامی به مخاطبان بافت صدور خود است. تحلیل گفتمان متن، تحلیل پیام متن در ارتباط با مخاطبان بافت صدور آن است؛ نه پیام گسسته از زمینه و بافت (نک: بشیر، ۱۴۰۰، ۲۳ و ۳۸). از مراحل تحلیل گفتمان، بررسی چرایی انتخاب عناوین و واژگان است؛ زیرا گویندگان با گزینش واژگان است که نگرش‌ها و ارزش‌گذاری‌های خود را نمایان می‌سازند (Van Dijk, ۲۰۰۸، ۱۷۱).

پژوهش پیش‌رو در پی واکاوی گفتمان قرآن، از کاربست عنوان «مقام ابراهیم» در بافت نزول است. تعبیر «مقام ابراهیم»، دو بار در قرآن به کار رفته است: در آیه «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵) و آیه «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷). از آنجا که واژه‌ها در گذر زمان، ممکن است دچار تغییرات معنایی، همچون تضییق و توسعه دامنه، تنزل یا ارتقاء معنایی شوند (Palmer, 1976, 11-12)، برای تحلیل گفتمان قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»، نیاز است معنا و کارکرد این عنوان قرآنی را در نسبت با بافت صدور آن تحلیل کرد.

طرح مسأله

شاید در آغاز، بررسی عنوان قرآنی «مقام ابراهیم»، مسئله‌ای چالش‌برانگیز به نظر نیاید؛ زیرا همان‌طور که خواهد آمد بیشتر مفسران، عنوان «مقام ابراهیم» را بر سنگ معروف نزدیک کعبه تطبیق داده‌اند که بر پایه روایات اسلامی، اثر پای ابراهیم (ع) بر این سنگ نقش بسته است؛ اما شایان توجه است صحابه و تابعان، نسبت به مصداق «مقام ابراهیم» در قرآن، هم‌نظر نبوده‌اند و همه ایشان، مصداق این عنوان در قرآن را سنگ قدمگاه ابراهیم ندانسته‌اند (نک: ادامه مقاله).

از این رو این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا قرآن در بافت تاریخی نزول آیات ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران، تنها می‌خواسته درباره سنگ معروف قدمگاه ابراهیم (ع)، پیامی را به مخاطبان خویش منتقل کند، یا اینکه با گزینش عنوان «مقام ابراهیم»، در پی گفتمانی متفاوت از برآیند تلاش مشهور مفسران بوده است؟

تاکنون پژوهش‌های بسیاری با نگاه فقهی در باره نسبت سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) با مناسک حج (همچون نماز طواف و محدوده طواف) انجام شده است؛ ولی پژوهشی مستقل یافت نشد که نسبت گزینش عنوان «مقام ابراهیم» با مخاطبان بافت نزول سوره بقره و آل عمران را از منظر گفتمانی بررسی کرده باشد. پژوهش پیش‌رو، نمونه‌ای از تحلیل گفتمانی-تاریخی به یاری واکاوی ساختار متن است.

۱. دیدگاه مشهور مفسران در باره «مقام ابراهیم»

بسیاری از مفسران، واژه «مقام» در عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» را به معنای «مکان ایستادن (در برابر نشستن)»، و مصداق «مقام ابراهیم» را سنگ معروف دارای اثر پای ابراهیم (ع) دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۲۳؛ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ۹۲؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۱۳۰؛ ماوردی، بی تا، ج ۱، ۱۸۷؛ جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ۲۳۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ۱۰۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ۲۱۳؛ محلی، ۱۴۱۶، ج ۲؛ و ...).

مشهور مفسران بر پایه این مصداق‌شناسی، «صلاة» در عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» (بقره: ۱۲۵) را به معنای «نماز» (عبادت خاص) گرفته‌اند، نه به معنای لغوی «دعا» (عبادت عام) (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ۲۰۸؛ کردی، ۱۴۲۰، ج ۳، ۳۰۱)؛ از این رو چون نمازی در مناسک حج غیر از «نماز طواف» واجب نیست، ایشان از این عبارت، بر پایه قرائت «اتَّخَذُوا» با کسر خاء - برداشت کرده‌اند که باید پشت (یا نزد) سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) را مکانی برای «نماز طواف» قرار داد (نک: جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ۹۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۳۸۵).

۱-۱. شواهد مصداق‌شناسی مشهور

می‌توان گفت روی هم رفته، سه شاهد برای این مصداق‌شناسی ذکر شده است:

(۱) روایت عُمَر بن حَطَّاب: یکی از اصلی‌ترین شواهد تاریخی مفسران در این بحث، روایتی از عُمَر بن خطاب است. در گزارشی تاریخی آمده است که عُمَر نزد کعبه با اشاره به سنگ قدمگاه ابراهیم (مقام ابراهیم)، به پیامبر (ص) پیشنهاد داد آیا آن را «مصلی» (نمازگاه) قرار دهیم؟ در این هنگام، عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» بر پیامبر (ص) نازل شد (ابن الجعد، ۱۴۱۰، ۳۷۰؛ ابن حنبل شیبانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۴۳۷؛ ابن شَبَّه، ۱۳۹۹، ج ۳، ۸۶۰؛ فاکهی، ۱۴۱۴؛ ج ۱، ۴۹۹).

(۲) روایات اهل بیت: در روایاتی از امامان شیعه (علیهم السلام) با استناد به جمله «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» (بقره: ۱۲۵) آمده است که نماز طواف باید پشت (یا نزد) مقام ابراهیم [در معنای سنگ قدمگاه ابراهیم] به جا آورده شود (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۴۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۳۷-۱۳۸). مفسرانی با توجه به این روایات، مصداق عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» را سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) گرفته‌اند (مانند: طوسی، بی تا، ج ۱، ۴۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۱۸۷؛ بلاغی، بی تا، ج ۱، ۱۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۴۴۸).

(۳) تبادل: مفسرانی با استناد به فهم مسلمانان زمان خود گفته‌اند عنوان «مقام ابراهیم» در قرآن، ظهور در سنگ معروف قدمگاه ابراهیم (ع) دارد؛ زیرا مسلمانان، بدون درنگ عنوان «مقام ابراهیم» را

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

بر سنگ قدمگاه ابراهیم(ع) تطبیق می‌کنند(نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۲۳؛ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۳۸۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ۱۱۲؛ و...).

۱-۲. ارزیابی شواهد مشهور

در این بخش، سه شاهد مشهور در تطبیق عنوان «مقام ابراهیم» بر «سنگ قدمگاه ابراهیم» را بررسی می‌کنیم:

۱-۲-۱. ارزیابی شاهد نخست: روایت عمر بن خطاب

جدی‌ترین چالش گزارش‌های گفتگوی عمر با پیامبر(ص) در تطبیق عنوان «مقام ابراهیم» بر سنگ قدمگاه، از منظر تاریخ نزول عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» است. شایان توجه است، سوره بقره، اولین سوره نازل شده در مدینه است(طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۱). از آنجا که در سال‌های نخست حضور پیامبر(ص) در مدینه، مشرکان مکه در جنگ با مسلمانان بودند، گفتگوی عمر با پیامبر(ص) کنار کعبه-بر فرض وقوع این گفتگو- نمی‌تواند در سال‌های نخست هجری باشد. در حالی که بحث اصلی این جستار آن است که مصداق «مقام ابراهیم» در بافت نزول آیه ۱۲۵ بقره چه بوده است؟ بنا بر حدیثی از جابر، این گفتگو، نه در سال‌های نخست هجری، بلکه هنگام فتح مکه (سال هشتم هجری) رخ داده است(ابن ماجه، ۱۹۵۲م، ج ۱، ۳۲۲)؛ برخی، زمان این گفتگو و نزول عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را در حَجَّةُ الْوَدَاعِ (سال دهم هجری) دانسته‌اند(مانند: سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۸۵؛ ابن رجب، ۱۴۱۷، ج ۳، ۹۶).

از سویی، پذیرش نزول جداگانه عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا این عبارت، میان دو گزاره دیگر در آیه ۱۲۵ بقره قرار گرفته است که با حرف واو-که اصل در آن، عاطفه است-، به آن دو پیوند خورده است: «وَ إِذِ [جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا] وَ [اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى] وَ [عَهْدِنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ]»(بقره: ۱۲۵). عبارت اول و سوم با هم و همچنین این دو عبارت با آیات دیگر در سیاق آیه ۱۲۵ بقره، انسجامی کامل دارند؛ این گزاره‌ها در بافت نزول خود، با خطاب به بنی‌اسرائیل سال‌های نخست هجری(در آیه ۱۲۲ به بعد)، ویژگی‌های خانه‌خدا(بیت‌الله) و چگونگی عبادتگاه شدن آن را یادآوری می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد حداکثر می‌توان گفت این عبارت میانی همراه با گزاره‌های قبل و بعد آن، در سال دوم هجری بر پیامبر(ص) نازل شده است، ولی پیامبر(ص) با قرائت دوباره این عبارت میانی در سال هشتم هجری (در هنگام فتح مکه) یا دهم هجری (در حَجَّةُ الْوَدَاعِ)، عنوان «مقام ابراهیم» را بر سنگ قدمگاه ابراهیم(ع) تطبیق داده است.

ممکن است گفته شود این قرائت دوباره پیامبر(ص) در سال هشتم یا دهم هجری و تطبیق عنوان «مقام ابراهیم» بر سنگ قدمگاه، نشانه آن است که مصداق عنوان «مقام ابراهیم» در بافت نزول آیه ۱۲۵ بقره - در سال دوم هجری - نیز سنگ قدمگاه ابراهیم(ع) بوده است؛ به عبارت دیگر، قرآن در سال دوم هجری، بنا بر دیدگاه مشهور مفسران به مسلمانان دستور داده نماز طواف را پشت(یا نزد) سنگ قدمگاه ابراهیم(ع) به جا آورید، و پیامبر(ص) سال هشتم یا دهم هجری، این پیام را کنار کعبه یادآوری کرده است.

اما این احتمال را نمی‌توان به سادگی پذیرفت؛ زیرا روشن است مقصود مفسران از نمازگاه قراردادن پشت(یا نزد) سنگ قدمگاه، آن است که نماز طواف، باید رو به کعبه و پشت(یا نزد) سنگ قدمگاه به جا آورده شود؛ ولی شایان توجه است مسلمانان در بافت نزول آیه ۱۲۵ بقره، سوی کعبه نماز نمی‌خواندند! زیرا دستور تغییر قبله با آیه ۱۴۴ بقره ابلاغ شده است(واحدی، ۱۴۱۱، ۴۶). از آنجا که اگر نمازگزار پشت سنگ قدمگاه و رو به کعبه بایستد، بیت المقدس (تقریباً) سمت راست او می‌شود و بیت المقدس در راستای کعبه قرار نمی‌گیرد، منطقی به نظر نمی‌رسد زمانی که مسلمانان باید رو به بیت المقدس نماز می‌خواندند، به ایشان دستور داده شود نماز طواف را پشت(یا نزد) سنگ قدمگاه/ابراهیم(ع)، سوی کعبه به جا آورید!

افزون بر این، از نظر تاریخی از اساس با قاطعیت نمی‌توان گفت سنگ قدمگاه ابراهیم(ع) هنگام نزول آیه ۱۲۵ بقره - در سال دوم هجری (نه در جاهلیت یا ...) - بیرون از کعبه بوده است. بنا بر برخی گزارش‌ها، هنگام فتح مکه (سال هشتم هجری)، سنگ قدمگاه/ابراهیم(ع) درون کعبه بود و در این هنگام با دستور پیامبر(ص)، این سنگ از کعبه خارج شد: «لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَكَّةَ ... وَأَخْرَجَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ وَكَانَ فِي الْكَعْبَةِ، فَأَلْزَقَهُ فِي حَائِطِ الْكَعْبَةِ» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ۳۰۰؛ برای تعابیر مشابه نک: ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۳، ج ۱، ۳۸۲؛ ابن حموش، ۱۴۲۹، ج ۲، ۱۳۶۶). اگر در سال دوم هجری، سنگ قدمگاه درون کعبه بوده باشد، بی‌معنا است در این زمان، تکلیف شرعی لزوم پشت(یا نزد) سنگ قدمگاه به جا آوردن نماز طواف ابلاغ شده باشد.

از سویی از نظر تاریخی، قطعی نیست که مسلمانان تا پیش از حجّه‌الوداع یا فتح مکه، با اصل تکلیف «نماز طواف» آشنا بوده باشند تا این آیه، یکی از شروط این تکلیف - یعنی: وجوب پشت یا نزد سنگ قدمگاه به جا آوردن نماز طواف - را بیان کرده باشد. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که پیامبر(ص) تا سال دهم هجری، حجّ به جا نیاورد و مردم در مراسم حجّه‌الوداع، تابع اعمال پیامبر(ص) - مانند دو رکعت نماز طواف پشت سنگ قدمگاه - بودند و می‌نگریستند که چه دستوری می‌رسد تا پیروی کنند(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۲۴۵). برخی گفته‌اند این تبعیت مسلمانان از پیامبر(ص)،

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

برای آن بوده که مسلمانان تا *حجّة الوداع*، با جزئیاتِ مناسک حجّ -مانند نماز طواف- در اسلام آشنا نبودند (شانه‌چی، ۱۳۷۸، ۹۱). در روایت *امام باقر (ع)* از جابر آمده است که پیامبر (ص) در *حجّة الوداع*، کنار سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) و پیش از نماز طواف، عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را قرائت کرد (ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹، ج ۳، ۳۳۴). دست‌کم تا زمان فتح مکه (سال هشتم هجری) بر پایه روایات گفتگوی عُمر با پیامبر (ص)، هیچ شاهد حدیثی یا گزارش تاریخی وجود ندارد که نشان‌دهنده پیامبر (ص)، دستور «نماز طواف» پشت سنگ قدمگاه را ابلاغ کرده یا خود، «نماز طواف» پشت سنگ قدمگاه به جا آورده باشد.

بنابراین آنچه به ذهن می‌رسد این است که عنوان «مقام ابراهیم» در بافت نزول آیه ۱۲۵ بقره در سال دوم هجری، در مصداقی متفاوت با سنگ قدمگاه به کار رفته است؛ ولی پیامبر (ص) هنگام *حجّة الوداع* یا فتح مکه با خوانشی نو از آیه ۱۲۵ بقره، این عنوان را بر سنگ قدمگاه تطبیق داده است. در باره این احتمال و ویژگی چندمعنایی قرآن در بخش بعد توضیح داده خواهد شد.

۲-۱. ارزیابی شاهد دوم: تطبیق روایات شیعی

گاه تعبیری در تاریخ نزول یک آیه، مفهوم و مصداقِ گفتمانی ویژه‌ای داشته است، ولی پیامبر (ص) یا امامان (علیهم السلام) مدتی پس از فضای نزول، آیه را در حادّته‌ای دیگر قرائت کرده و بر پایه خوانشی تازه، آن تعبیر را بر مفهومی متفاوت با مفهوم گفتمانی زمان نزول آیه تطبیق داده‌اند (نک: طیب‌حسینی، ۱۳۹۷، ۱۴۶-۱۵۰). برای نمونه سوره‌ی *أعلى*، هشتمین سوره‌ی نازل شده در مکه است. از آنجا که تکلیف روزه، در مدینه ابلاغ شد، در بافت نزول عبارت «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (أعلى: ۱۴)، «زکات» در مفهوم گسترده «تزکیه روحی» باید باشد، نه «زکات فطره». اما در روایاتی از پیامبر (ص) و همچنین از *امام صادق (ع)* با خوانشی فقهی و پسانزولی، «زکات» در این آیه، دچار تضییق دامنه معنایی شده و بر «زکات فطره» تطبیق داده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ۵۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ق ۳۳۹؛ در باره این ویژگی چندمعنایی قرآن نک: طیب‌حسینی، ۱۳۹۵: ۸۲-۸۳). در باره روایات ذیل عبارت «وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» نیز این احتمال را می‌توان مطرح کرد که این روایت‌ها، بر پایه برداشتی فقهی و خوانشی ورای سیاق و بیرون از بافت نزول باشند؛ به این معنا که عنوان «مقام ابراهیم» در بافت نزول، در معنای خاصی به کار رفته است، ولی این روایات با تطبیق این عنوان بر مصداق «سنگ قدمگاه ابراهیم»، خوانشی فقهی و بیرون از بافت نزول آیه ارائه داده‌اند. این احتمال با شواهد آمده در بخش گذشته، مانند ناسازگاری دستور لزوم پشت قدمگاه و رو به کعبه به جا آوردن نماز طواف با فضای رو به بیت المقدس نمازخواندن مسلمانان در بافت نزول آیه ۱۲۵ بقره و ... تقویت می‌شود.

۳-۲-۱. ارزیابی شاهد سوم: تبادر

در ارزیابی این شاهد، شایان توجه است که واژه‌ها گاهی در طول زمان، دچار تغییر مفهومی همچون تضییق (Narrowing) و توسعه (Widening) می‌شوند (برای بررسی تغییر معنای واژه‌هایی مانند «صلاة»، «حج»، «زکات» نک: پاکتچی، ۱۳۹۱، ۳۱۲-۳۲۴). بنابراین برای کشف معنا و مصداق یک تعبیر قرآنی در بافت نزول آن، نیاز است فهم مسلمانان زمان نزول هر آیه را ملاک قرار داد؛ نه فهم مسلمانان دوران متأخر از زمان نزول. در میان شواهد تاریخی در دسترس، هیچ شاهدی اعم از شواهد شعری و روایی یافت نشد تا نشان دهد که در سال دوم هجری، برای اشاره به سنگ قدمگاه ابراهیم (ع)، عنوان «مقام ابراهیم» به کار رفته است. بنابراین، این فرضیه قابل طرح است که عنوان «مقام ابراهیم»، در بافت نزول آیات ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران، مصداقی متفاوت از سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) داشته است که در سال‌های پس از نزول این آیات، همچون سال هشتم در فتح مکه یا سال دهم در حجّه‌الوداع، این عنوان با تغییر مفهومی، بر سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) تطبیق داده شده است.

۲. دیدگاه غیر مشهور در باره «مقام ابراهیم»

برخی مفسران، بخشی یا همه مواضع حجّ را مصداق عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» دانسته‌اند: ابن عباس در دیدگاهی، همچنین مجاهد و عطیه، همه [مواقف] حجّ را مصداق «مقام ابراهیم» برشمرده‌اند (نک: فاکهی، ۱۴۱۴، ج ۱، ۴۴۴؛ ج ۲، ۲۳۵ و ۲۶۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۲۲). از جمله مصادیق دیگری که برخی تابعان بیان کرده‌اند عبارت است از: «عرفه»، «عرفه، مزدلفه و جمار» و «همه حرم» (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۲۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ۲۲۶). در میان مفسران متأخر نیز، برخی مصداق «مقام ابراهیم» را «البیت» (خانه خدا) دانسته‌اند (مانند: قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ۱۱۳). ابن عاشور (۱۹۷۳م) در دیدگاهی گفته است کاربرد عنوان قرآنی «مقام ابراهیم»، برای «کعبه» است؛ زیرا ابراهیم (ع) نزد کعبه ایستاد و خدا را عبادت کرد و به توحید فراخواند (۱۴۲۰، ج ۳، ۱۶۳). نویسنده تفسیر المیزان نیز در دیدگاهی احتمال داده است که «مقام ابراهیم»، خود «البیت» (خانه خدا) باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ۳۵۳).

پرسش پیش روی این مفسران آن است که بر پایه چه شواهد درون‌متنی یا داده‌های برون‌متنی، مصداق «مقام ابراهیم» در آیات قرآن، عرفه یا مشعر یا خانه خدا/البیت) یا تمام حرم است؟ این برداشت‌ها نیاز به تحلیل استوار درون‌متنی و برون‌متنی دارد. از سویی، پیروان این دیدگاه‌ها آشکار نکرده‌اند گزینش عنوان «مقام ابراهیم» برای این مصادیق، چه نسبت گفتمانی با مخاطبان آیات قرآن در بافت تاریخی نزول آنها دارد؟

۳. واکاوی عنوان «مقام ابراهیم» بر پایه تحلیل ساختار متن

از آنجا که پژوهش پیش رو با روش تحلیل ساختار متن در پی واکاوی گفتمان قرآن از گزینش عنوان «مقام ابراهیم» در بافت نزول است، پس از بررسی سازوکار ساختار زبانی «تجريد»، مفهوم و مصداق عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» واکاوی می‌شود.

۱-۳. سازوکار شیوه زبانی «تجريد»

فرضیه این نوشتار این است که دو عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵) و آیه «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷) به شیوه زبانی تجريد است. از این رو در این بخش، اندکی در باره سازوکار این شیوه زبانی بحث می‌شود:

تجريد، شیوه‌ای برای مبالغه است که در دانش بدیع از آن بحث می‌شود. در این اسلوب، از ذاتی برای بیان کمال صفتی در آن، ذاتی دیگر دارای همان صفت انتزاع می‌شود (ابن مالک، ۱۹۸۹: ص ۲۳۶؛ ابن حجره، ۱۴۲۵، ج ۴: ص ۳۲۸). از گونه‌های شیوه زبانی تجريد، تجريد با واسطه حرف جر-مانند «من» و «فی»- است. برای نمونه گوینده جمله «رأيتُ زيداً كريماً»، تنها در گزاره‌ای متعارف ابراز می‌کند: «زيد را فردی بخشنده دیدم»؛ ولی گوینده عبارت تجريدیه «رأيتُ من زيدٍ كريماً» یا «رأيتُ في زيدٍ كريماً» بیان می‌کند زيد در کمال ویژگی بخشندگی بوده است؛ آن‌چنان که مبدأ یا ظرف ویژگی سخاوتمندی است؛ آن‌قدر که می‌توان ادعا کرد از او، شخصی بخشنده، قابل جدا شدن است، یا شخصی بخشنده، تنها بخشی از وجود سرشار از سخاوت اوست! در این مثال، زيد را «مبدأ انتزاع»، و كريماً را «مُنْتزَع» می‌گویند. با درنگ در وصف «كِرَم» در «كِرِماً»، می‌توان کمال این ویژگی را در «زيد» دریافت.

برای تحلیل عنوان «مقام ابراهیم» در قرآن، به چند ویژگی شیوه زبانی تجريد باید اشاره کرد:

(۱) از نظر موضوع متن: محور اصلی^۳ در جمله، چیزی/کسی است که پیام جمله، درباره آن است (نک: دیکینز،^۴ ۲۰۰۶: ۴۹۴). در گزاره تجريدی «رأيتُ من زيدٍ كريماً»، محور اصلی سخن، «زيد» (مبدأ انتزاع) است. به بیان دیگر، اطلاع کهنه و محور متن در این عبارت، «زيد» است و متکلم قصد دارد اطلاع تازه‌ای را در باره «زيد» به مخاطب بیفزاید.

آیه «وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء: ۸۲) به شیوه زبانی تجريد با حرف «من» است (نک: قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۹۶). موضوع این آیه، «القرآن» است. اگر این آیه بدون حرف «من» بود، ممکن بود مخاطب برداشت کند «قرآن»، شفاء و رحمتی متعارف است؛ ولی این آیه به

3. Topic

4. Dickins

شیوه مبالغه‌ساز تجرید با حرف «مِن» می‌گوید: قرآن را در نهایتِ ویژگی شفاء و رحمت برای مؤمنان نازل می‌کنیم.

در بخش بعد نشان داده خواهد شد که می‌توان آیه «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵) را به شیوه تجرید دانست، و اطلاع کهنه و محور این متن را «مقام ابراهیم» گرفت.

۲) از نظر مصداق: در ظاهر همه گزاره‌های به شیوه تجرید، در وهله نخست این‌گونه به نظر می‌رسد که مصداق «مُتَنَزِع»، متفاوت یا بخشی از مصداق «مبدأ انتزاع» است؛ ولی در واقعیت، مصداق خارجی این دو عنوان، یکی است (نک: ابن جنی، ۱۴۲۹، ج ۲: ص ۱۴۰؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۳: ص ۴۹۵). برای مثال، آیه «ذَلِكْ جَزَاءُ أَغْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ» (فصلت: ۲۸) نیز به شیوه تجرید با حرف جرّ «فی» است (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۹، ۱۶؛ ابن عطیه، ۲۰۰۱: ج ۵، ۱۳؛ ابو السعود، ۱۹۸۳: ج ۸، ۱۲). در این آیه، حرف «فی» در کارکرد متداول خود نیست؛ این آیه نمی‌گوید که تنها در میان دوزخ، بخشی از آن، سرای جاویدان است؛ بلکه می‌گوید آتش دوزخ سراسر «دار الخلد» است؛ آن‌قدر که گویا ظرف ویژگی جاودانگی است! مصداق «ها» (آتش جهنم)، همان مصداق «دار الخلد» است. در بخش بعد نشان داده خواهد شد که می‌توان آیه «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷) را به شیوه تجرید با حرف «فی» دانست. تعبیر تجریدی با حرف «فی»، مانند این تعبیر در قرآن بسیار است. برای نمونه آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد: ۴) به شیوه «تجرید» است (ابو السعود، ۱۹۸۳، ج ۵، ۵). در این عبارت، حرف «فی» در کارکرد متداول خود نیست، بلکه برای تجرید است. «ذَلِكْ»، اشاره به «تنوع‌های قطعات زمین و باغ‌ها و میوه‌های آنها» است. این عبارت نمی‌گوید تنها برخی از تنوع‌های زمین، نشانه پروردگار است؛ بلکه به شیوه تجرید می‌گوید همه این تنوع‌ها، در کمال ویژگی نشانه بودن از پروردگار برای اهل تعقل است.

۲-۳. واکاوی عنوان «مقام ابراهیم»

در این بخش با بررسی ساختار دو عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵) و «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷) و بر پایه اطلاعات بافت هم‌متن، مفهوم و مصداق «مقام ابراهیم» را تحلیل می‌کنیم:

۱-۲-۳. مفهوم مقام ابراهیم

برای شناخت مفهوم «مقام ابراهیم» در قرآن، نیاز است نخست معنای واژه «مقام» را بررسی کرد. واژه «مقام»، از ریشه «ق-و-م» و از مصدر «قیام» (ایستادن) است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ۴۹۸). معنای حقیقی «مقام» در کاربرد اسم مکان، «مکان ایستادن (در برابر نشستن)» است. اما با درنگ در کاربردهای واژه «مقام» در قرآن به دست می‌آید این واژه گاه در معنای مجازی آمده است. برای نمونه واژه «مقام»

واکاوای گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

در عبارت «أَنَا آتِيكَ بِقَبْلِ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ» (نمل: ۳۹)، نه به معنای مکان ایستادن، بلکه به معنای جایگاه حکمرانی سلیمان (ع) است که بر آن نشسته بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۳۴۸).

می‌توان از منظر معناشناسی شناختی (Cognitive Semantics)، مفهوم «مقام» را دقیق‌تر تحلیل کرد. از نظر معناشناسی شناختی، انسان بر اساس تجربیات عینی خویش، مفاهیم انتزاعی را درک می‌کند (Lakoff, Johnson, ۲۰۰۳، ۵۶-۶۰). برای نمونه انسان در ذهن خویش، این‌گونه تصویر می‌کند که «هر شیء یا هدف مهم (هر ارزش مثبت)، بالا است» و در زبان، واژه‌هایی متضمن مفهوم «بالا»، مانند «برخاستن»، را به کار می‌برد (افراشی، ۱۳۹۵، ۷۹-۸۰). از این رو این‌گونه مفهوم‌سازی می‌کند که برای رسیدن به شیء مهم یا انجام کار مهم، باید «ایستاد». برای نمونه، در آیه «وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۲۷) برای قسط، فعل «تقوموا» به کار رفته است؛ «قیام» در این معنای رومی یا ایستادن (در برابر نشستن) نیست؛ بلکه به معنای انجام کاری مهم (=قسط) است؛ «قیام» در این آیه، به معنای مجازی «تلاش و کوشش» است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ۹۳). بر پایه تحلیل شناختی روشن می‌شود چرا در قرآن، در آیات «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره: ۲۲۸)، «قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر: ۲) و «فَأَخْرَجَ يَتِيمَانِ مَقَامَهُمَا» (مائده: ۱۰۷)، به ترتیب برای عبادت، تبلیغ دین و شهادت دادن، مشتقات «قیام» به کار رفته است؛ زیرا این امور همگی از جهتی مهم هستند و برای انجام آنها، عزم و اراده و حرکت نیاز است. در هیچ یک از اینها، «قیام» به معنای ایستادن (در برابر نشستن) نیست؛ بلکه در این تعبیر، مفهوم انتزاعی انجام کار مهم، با استعاره مفهومی بدنمندی «قیام» بیان شده است. واژه «مقام» نیز در قرآن، گاهی در آیاتی، مانند «أَنَا آتِيكَ بِقَبْلِ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ» (نمل: ۳۹)، «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» (إسراء: ۷۹) و «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (دخان: ۵۱)، نه به معنای مکان ایستادن (در برابر نشستن)، بلکه به معنای جایگاه معنوی مهمی به کار رفته است.

در آیه «اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» نیز می‌تواند «مقام ابراهیم»، تعبیری استعاری و به معنای مکانی باشد که ابراهیم (ع) در آن کار مهمی انجام داده است. اگر این عبارت را به شیوه زبانی «تجربید» بدانیم، به سادگی می‌توان از متن، کار مهم ابراهیم (ع) را به دست آورد. بر پایه شیوه زبانی تجرید، «مقام ابراهیم»، مبدأ انتزاع، و «مصلی»، مُتَنَزَّع می‌شود. بنا بر درنگ در وصف «صلاة» در واژه «مُصَلًّى»، می‌توان گفت «مقام ابراهیم» در این عبارت به معنای مکانی است که ابراهیم (ع) در آن کار مهم «عبادت/نیایش» را انجام داده بود.

جالب اینجاست که در عهد عتیق نیز واژه «מָקוֹם» (māqōm) برای مکان عبادت ابراهیم (ع) به

کار رفته است:

«وَيَسِّرْ لَهُمُ الْبِرَّ لَعَلَّ هُمْ يَرْجِعُونَ» (بقره: ۱۷۷)

(بامدادان، ابراهیم برخاست و به همان مقامی که در آن به حضور یهوه ایستاده بود، رفت) (پیدایش،

۱۹: ۲۷).

در تلمود در شرح تعبیر «الْمَقَامُ» (به عربی = المقام) آمده است: «وَأَيُّ الْعِبَادَةِ وَالْقِيَامِ» (قیام [در این عبارت] چیزی جز دعا نیست) (براخوت، ۲۶ب). این قسمت تلمود، جایی است که توصیه می‌کند هر مؤمنی باید یک مکان شخصی برای عبادت داشته باشد؛ بنابراین بسیار محتمل است که مقصود از «مقام ابراهیم»، مکان عبادت ابراهیم باشد (See. Peters, ۱۹۹۶, ۱۶).

۲-۳. مصداق «مقام ابراهیم» در آیه ۱۲۵ بقره

در بخش قبل روشن شد می‌توان عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» را به معنای عبادتگاه/ابراهیم (ع) دانست؛ ولی این پرسش چالشی هنوز پاسخ داده نشده است که مصداق «مقام ابراهیم» در عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵) چیست؟ برای تحلیل مصداق این عنوان قرآنی، نیاز است نخست قرائت فعل «اتَّخَذُوا» در این آیه را با توجه به سیاق بررسی کرد:

پنج قاری از قاریان سبعة فعل «اتَّخَذُوا» در عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را به کسر خاء خوانده‌اند که در این صورت، «اتَّخَذُوا»، صیغه امر می‌گردد؛ ولی نافع و ابن عامر، این فعل را با فتح خاء قرائت کرده‌اند که در این حالت، «اتَّخَذُوا»، فعل ماضی می‌شود (ابن مجاهد، ۱۴۰۰، ۱۷۰). برداشت مشهور مفسران از این عبارت، با قرائت کسر خاء سازگار است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۲۱)؛ زیرا ایشان، این عبارت را گزاره‌ای امری گرفته‌اند و از آن برداشت کرده‌اند که باید نماز طواف را پشت (یا نزد) سنگ قدمگاه به جا آورد.

اما شایان توجه است عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»، میان دو گزاره خبری در آیه ۱۲۵ بقره قرار گرفته است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا» وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى) وَ (عَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ)» (بقره: ۱۲۵). این آیه در سیاق آیات خطاب به بنی اسرائیل است. بر پایه قرائت کسر خاء، جمله‌های متن این گونه می‌شوند: «(ماضی) و (امر) و (ماضی)»؛ گزاره اول، گزارشگر حادثه‌ای تاریخی است؛ ولی ناگهان گزاره میانی، دستوری را به مسلمانان ابلاغ می‌کند و سپس گزاره سوم، دوباره گزارشگر حادثه‌ای تاریخی می‌شود. از آنجا که قرارگرفتن عبارتی دستوری با حرف واو میان دو عبارت خبری با فعل ماضی، روانی متن را بر هم می‌زند، برخی مفسران هشدار داده‌اند که قرائت فتح خاء، سازگارتر با بافت هم‌متن است و انسجام متن را بیشتر از قرائت کسر خاء و معترضه شمردن جمله میانی نمایان می‌سازد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ج ۶، ۵۴۶). برخی قرائت‌پژوهان، همچون ابن زنجله (۳۹۵ق)، حجت

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

قاریان کسر خاء را روایات گفتگوی عمر با پیامبر(ص)، و حجت قاریان فتح خاء را گزاره خبریه اول برشمرده‌اند(۱۴۱۸، ۱۱۳؛ همچنین نک: ابن حموش، ۱۴۰۴، ۲۶۳-۲۶۴). از آنجا که یکی از وجوه ترجیح قرائت در میان مفسران، سیاق است، می‌توان قرائت فتح خاء را قرائت نازل شده دانست(نک: ستوده‌نیا؛ قاسم‌نژاد، ۱۳۹۲، ۵۹-۶۰). از سویی اصل در واو، برای عاطفه است و واو را برای جمله معترضه دانستن، خلاف ظاهر است؛ بنابراین می‌توان گفت خوانش بر پایه کسر خاء، بر پایه برداشتی و رای یافت نزول آیه است(نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ۶۹۲).

پس از بررسی قرائت فعل «اتَّخَذُوا»، مصداق «مقام ابراهیم» در آیه ۱۲۵ بقره را با توجه به سیاق بررسی می‌کنیم:

عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» در سیاقی قرار گرفته که قبل و بعد آن درباره بیت‌الله(خانه‌خدا) است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا [الْبَيْتَ] مَنَابَهُ لِلنَّاسِ وَأَمْثًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا [بَيْتِي] ... وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ [الْبَيْتِ] وَ إِسْمَاعِيلُ»(بقره: ۱۲۵-۱۲۷). در بحث سازوکار شیوه زبانی تجرید گذشت در ساختار تجرید، محور اصلی متن و اطلاع کهنه(پیش‌فرض)، «مبدأ انتزاع»(مُتَنَزَّعٌ منه) است. اگر عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را بر پایه ساختار تجرید بدانیم، این عبارت در باره «مقام ابراهیم»(مبدأ انتزاع) است. بنابراین، باید پیشتر در متن، درباره این اطلاع کهنه(=مقام ابراهیم) سخنی به میان آمده باشد. با توجه به اینکه محور اصلی بحث در این سیاق، بیت‌الله(خانه‌خدا) است، می‌توان گفت منسجم‌ترین حالت متن آن است که در عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» نیز، عنوان «مقام ابراهیم»(عبادتگاه ابراهیم) با «البیت/بیتی» هم‌مرجع(Coreference) باشد. دو عنوان وقتی هم‌مرجع هستند که هر دو به یک مصداق اشاره کنند(Crystal, ۲۰۰۸, ۱۱۶-۱۱۷). مانند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَّىٰ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»(جمعه: ۹) که مصداق عنوان «الصلاة» و «ذكر الله» یکی است. در عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» نیز به جای «البیت»، تعبیر متفاوت عنوان «مقام ابراهیم» به کار رفته است.

بنا بر هم‌مرجع دانستن دو عنوان «مقام ابراهیم» با «البیت»، عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» به شیوه تجرید، از بزرگداشت «البیت»(=مقام ابراهیم=عبادتگاه ابراهیم) سخن می‌گوید. این عبارت بر اساس قرائت فتح خاء، می‌گوید مؤمنان زمان ابراهیم، این نیایشگاه ابراهیم(خانه‌خدا) را عبادتگاه قرار دادند. البته اگر این عبارت بدون حرف «من» می‌گفت «اتَّخَذُوا مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»، ممکن بود مخاطبان قرآن این‌گونه برداشت کنند که مؤمنان زمان ابراهیم(ع)، خانه‌خدا(=مقام ابراهیم)

را تنها عبادتگاهی متعارف قرار داده بودند؛ اما عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» با حرف «مِن»، با تاکید ویژه به شیوه زبانی تجرید گفته است: آن مردم، آن قدر در خانه خدا، عبادت می کردند که این مقام ابراهیم - در معنای پرستشگاه ابراهیم (=خانه خدا) - را در کمال نیایشگاه (مصلی) قرار دادند! در مجموع دو خوانش از عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» می توان ارائه داد:

معنای عبارت «اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»	
مؤمنان زمان ابراهیم، عبادتگاه ابراهیم (یعنی کعبه) را در کمال ویژگی نیایشگاه (مصلی) قرار دادند.	خوانش بر پایه شیوه زبانی تجرید
	معنای در بافت نزول و سیاق (بر اساس قرائت فتح خاء)
(ای مسلمانان!) [پشت یا نزد] مکان ایستادن ابراهیم (یعنی سنگ قدمگاه) را محلی برای نماز طواف قرار دهید.	خوانش مشهور
	معنای بیرون از بافت نزول و سیاق (بر اساس قرائت کسر خاء)

۳-۲-۳. مصداق «مقام ابراهیم» در آیه ۹۷ آل عمران

در عبارت «فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷)، ضمیر «فیه» به «خانه خدا» (أَوَّلَ بَيْتٍ) در آیه قبل بازمی گردد. از نظر نحوی، بهترین تحلیل ساختار متن، بدون تأویل بردن و تقدیر گرفتن، آن است که «مقام ابراهیم»، بدل از «آیات بینات» باشد (نک: ابن هشام، ۱۴۱۰، ج ۲، ۴۵۵-۴۵۶). برای واکاوی عنوان «مقام ابراهیم» در عبارت «فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷)، نخست باید معنای تعبیر «فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ» را بررسی کرد. دو احتمال در باره معنای این عبارت می توان ارائه داد:

۱) بر پایه کارکرد متداول حرف «فی»: از این عبارت این گونه برداشت می شود که «بخشی از خانه خدا»، «آیات بینات» (نشانه هایی روشن) است؛ که بر پایه مصداق شناسی مشهور (تطبیق «مقام ابراهیم» بر سنگ قدمگاه)، این نشانه های روشن، «سنگ قدمگاه ابراهیم (ع)» می شود. بر پایه این تحلیل، قرآن به دلیل قوت دلالت سنگ قدمگاه ابراهیم (ع) بر قدرت خداوند و نبوت ابراهیم، آن را نشانه هایی روشن برشمرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۸۷).

۲) بر پایه شیوه تجرید با حرف «فی»: از این عبارت این گونه برداشت می شود که «همه خانه خدا»، «آیات بینات» است؛ یعنی مصداق ضمیر «فیه» (خانه خدا)، «آیات بینات» (منتزع) می شود. به بیان دقیق تر، قرآن در این عبارت به جای «هو آیاتٌ بیناتٌ»، با شیوه تجرید با حرف «فی» گفته

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

است: «فیه آیات بینات»، تا تاکید کند سرتاسر *خانه خدا*، نه تنها بخشی از آن، در نهایت نشانه‌هایی روشن از پروردگار است.

از سویی در بحث مفهوم «مقام ابراهیم» گذشت که می‌توان «مقام ابراهیم» را به معنای «عبادتگاه ابراهیم»، نه محل ایستادن ابراهیم، دانست؛ بنابراین با توجه به اینکه بدل (مقام ابراهیم) جای مبدل منه (آیات بینات) می‌نشیند، آیه را می‌توان این‌گونه معنا کرد: «*خانه خدا*، سرتاسر نشانه‌هایی روشن است؛ همه خانه خدا، عبادتگاه ابراهیم (ع) است».

در مجموع در باره مقایسه برداشت اول و دوم، گفتنی است بر پایه سیاق، آیه ۹۶ آل عمران درباره ویژگی‌های «همه خانه خدا» است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَكَّةٍ مُّبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ». ادامه عبارت «فیه آیات بینات مقام ابراهیم» نیز درباره «همه خانه خدا» است: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران: ۹۷). روشن است اگر بگوییم عبارت «فیه آیات بینات مقام ابراهیم» به توصیف «همه خانه خدا» می‌پردازد (برداشت دوم)، نه فقط بخشی از آن، این برداشت با سیاق آن سازگارتر است (نک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۱۵). هرچند برداشت نخست نیز بر اساس کاربرد متعارف حرف «فی»، می‌تواند (از باب چندمعنایی قرآن)، صحیح باشد.

بنابراین دو خوانش از عبارت «فیه آیات بینات مقام ابراهیم» می‌توان ارائه داد:

معنای «فیه آیات بینات مقام ابراهیم»	
سرتاسر خانه خدا، نشانه‌هایی روشن، عبادتگاه ابراهیم است.	خوانش بر اساس شیوه زبانی تجرید با حرف «فی» (خوانش سازگارتر با سیاق)
بخشی از خانه خدا، نشانه‌هایی روشن، یعنی مکان ایستادن ابراهیم (=سنگ قدمگاه ابراهیم) است.	خوانش بر اساس کاربرد متداول حرف «فی»

جالب آن است که در روایتی، از امام صادق (ع) در باره مصداق «آیات بینات» در عبارت «فیه آیات بینات» پرسیدند؛ ایشان، تنها سنگ قدمگاه ابراهیم را مصداق «آیات بینات» نشمردند؛ بلکه فرمودند آیات بینات عبارت است از: «سنگی که ابراهیم (ع) بر آن ایستاد، حَجَرِ أُسُودِ، منزل (حجر) اسماعیل (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۳). می‌توان گفت این موارد در این روایت، انحصاری نیست؛ بلکه جای جای خانه خدا، نشانه‌هایی روشن است.

در جدول زیر، معنای دو آیه ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران بر پایه شیوه زبانی تجرید و بر اساس سیاق آنها جمع‌بندی شده است:

<p>«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمِنًا وَ اتَّخَذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّی وَاَعٰهَدْنَا اِلٰی اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعٖلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِیْ ... وَ اِذْ یَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمٰعٖلُ»</p>	
<p>ای بنی اسرائیل! زمانی را متذکر شوید که <u>این خانه (کعبه)</u> را جایگاه اجتماع و امن برای مردم ساختیم و آنها <u>این عبادتگاه ابراهیم</u> را در کمال نیایشگاه قرار دادند و ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم <u>خانه مرا</u> برای طواف‌کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید ... و زمانی را متذکر شوید که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های <u>این خانه (کعبه)</u> را بالا می‌بردند</p>	<p>آیات ۱۲۷-۱۲۵ بقره</p>
<p>«اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لَلَّذِیْ بَیَّكُهُ مُبَارَکًا وَ هُدًی لِّلْعٰلَمِیْنَ * فِیْهِ = الْبَیْتِ] آیات بیّنات مقام ابراهیم و مَنْ دَخَلَهُ [= الْبَیْتِ] كَانَ اٰمِنًا وَ لِلّٰهِ عَلٰی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مِنْ اَسْطَاعٍ اِلَیْهِ سَبِیْلًا»</p>	
<p>«نخستین <u>خانه</u> بنا شده برای (عبادت) مردم، همان است که در سرزمین مکه قرار دارد در حالی که پُربركت و مایه هدایت جهانیان است؛ سرتاسر <u>این خانه</u>، نشانه‌هایی روشن، <u>عبادتگاه ابراهیم (=مقام ابراهیم)</u> است؛ و هر کسی داخل <u>این خانه</u> شد، ایمن بود؛ و برای خدا، حج <u>این خانه</u> بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشتند واجب بود.</p>	<p>آیات ۹۷-۹۶ آل عمران</p>

۴. گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

روشن شد بر پایه تحلیل ساختار متن، بهتر است مصداق «مقام ابراهیم» در دو آیه ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران را «بیت الله» دانست؛ اما این پرسش هنوز پاسخ داده نشده است که چرا قرآن، در آیاتی که در سیاق گفتگو با اهل کتاب است، برای اشاره به بیت/الله، تعبیر «مقام ابراهیم» را برگزیده است؟ چه تناسبی میان گزینش این عنوان با بافت نزول آیات است؟

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

از مراحل تحلیل گفتمان، بررسی چرایی گزینش واژگان است؛ گویندگان با کاربست واژگان است که هویت اجتماعی، نگرش‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و اهداف خود را نشان می‌دهند (van Dijk, ۱۸۹, ۲۰۱۳; ۱۷۱, ۲۰۰۸).

بر پایه شواهد تاریخی به دست می‌آید تغییر قبله، تنها تغییر یک تکلیف شرعی، بدون پیامدهای اجتماعی نبوده است؛ بلکه تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه، از نظر رویارویی اندیشه‌های یهودیان مدینه با مسلمانان، حادثه‌ای برجسته در صدر اسلام بود. گزاره‌های تاریخی نشان می‌دهد پس از تغییر قبله، برخی یهودیان شروع به فتنه‌گری کردند؛ یکی از خرده‌گیری‌های ایشان بر پیامبر (ص) آن بود که می‌گفتند: تو معتقد بودی بر آئین ابراهیم (ع) هستی، از چه رو از قبله‌ای (=بیت‌المقدس) که سوی آن بودی روی گرداندی؟! (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۵۵۰). برخی از یهودیان، شرافت انتساب بیت‌المقدس به پیامبران الهی را بهانه خرده‌گیری بر پیامبر (ص) و مسلمانان قرار دادند و از مسلمانان می‌پرسیدند چرا از قبله پیامبرانی مانند یعقوب (ع) و موسی (ع) روی برگردانید؟ (نک: شمس شامی، ۱۴۱۴، ج ۳، ۳۷۱). یهودیانی به مسلمانان می‌گفتند که بیت‌المقدس، از کعبه ارزشمندتر است؛ زیرا بیت‌المقدس، مکان مهاجرت پیامبران بوده است و در زمین مقدس قرار دارد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ۱۱۴). برخی یهودیان انگیزه الهی بودن تغییر قبله را انکار می‌کردند و طعنه می‌زدند محمد (ص)، به شهر پدر و زادگاه خود اشتیاق دارد (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ۹) و خواهان خشنود کردن قوم خود (در مکه) است (ابن سید الناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ۲۷۱).

از آنجا که قبله بودن بیت‌المقدس، قدرت گفتمانی برای یهودیان به همراه داشت، یکی از عوامل این خرده‌گیری‌های یهودیان در بحث تغییر قبله، از دست دادن این قدرت گفتمانی بود. می‌توان گفت انگیزه قرآن از «مقام ابراهیم» شمردن کعبه در دو آیه محل بحث، کنش و واکنشی در برابر این فضای فرهنگی و اجتماعی بافت نزول بوده است. قرآن با انتساب کعبه به ابراهیم (ع) و عبادتگاه/ابراهیم (ع) شمردن کعبه، تبیین کرده است که خاستگاه دستور تغییر قبله، گرایش‌های قومی پیامبر اسلام (ص) نبوده است؛ بلکه کعبه، نیایشگاه ابراهیم (ع) (=مقام ابراهیم) بوده است؛ آن هم نه عبادتگاهی متعارف. به ویژه آنکه به نظر می‌رسد یهودیان بنا بر تلمود، با عنوان «مقام» برای «مکان عبادت» آشنا بودند (براخوت، ۲۶ ب).

شایان توجه است آیه ۱۲۵ بقره، پیش از تغییر قبله و آیه ۹۷ آل عمران مدتی پس از تغییر قبله نازل شده است؛ زیرا دستور تغییر قبله با آیه ۱۴۴ بقره ابلاغ شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ۴۱۹). آیه ۱۲۵ بقره با خطاب به بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص)، بر پایه قرائت فتح خاء تاکید می‌کند که مومنان زمان

ابراهیم(ع)، این عبادتگاه ابراهیم(=مقام ابراهیم= بیت‌الله) را در نهایت نیایشگاه(مصلی) قرار داده بودند. آیه ۹۷ آل عمران نیز که پس از تغییر قبله نازل شده، با اشاره به اهل کتاب به شیوه زبانی تجرید تاکید می‌کند که خانه خدا، سرتاسر نشانه‌هایی روشن از توحید و در کمال عبادتگاه ابراهیم(مقام ابراهیم) است. این تاکید در برابر شبه‌افکنی‌های یهودیان و سرزنش‌های ایشان با بهانه انتساب بیت المقدس به پیامبران است. بنابراین می‌توان گفت قرآن با گفتمان مقام ابراهیم(=عبادتگاه ابراهیم) برای بیت‌الله، در آیه ۱۲۵ بقره، در پی زمینه‌سازی دستور تغییر قبله، و در آیه ۹۷ آل عمران، در پی پشتیبانی از این دستور برآمده است. از این رو، تغییر قبله، تغییر به سوی نخستین عبادتگاه مردم و نیایشگاهی منسوب به ابراهیم(ع) است که پدر [معنوی] مشترک مؤمنان به سه دین توحیدی (ماسون، ۱۴۸۵، ۴۳۱) و پیامبری پیش از یعقوب(ع)، موسی(ع)، داوود(ع) و سلیمان(ع) است. از سویی چون ابراهیم(ع) در دین یهود جایگاه ویژه‌ای داشت(نک: سیفر پیدایش، ۱۷: ۵ و ...)، تبیین ویژگی عبادتگاه بودن کعبه برای ابراهیم(ع) و پیروان او، موجب گفتمانی قوی‌تر برای مسلمانان با رویکردی وحدت‌بخش میان پیروان ادیان ابراهیمی بوده است.

نتیجه

در این نوشتار نشان داده شد شواهد مشهور مفسران در تطبیق عنوان قرآنی «مقام ابراهیم» بر تنها سنگ قدمگاه ابراهیم(ع)، از نظر بافت نزول عبارت «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» (بقره: ۱۲۵) با چالش‌هایی روبرو است؛ همچون آنکه روایات شأن نزول این عبارت، با تاریخ نزول سوره بقره و فضای نزول این آیه – همچون ویژگی قبله بودن بیت المقدس و ... – سازگار نیست و همچنین با سیاق این عبارت هماهنگی کامل ندارد.

با بررسی استعاره مفهومی «مقام» در قرآن و تحلیل ساختار زبانی «تجرید»، در مجموع به دست آمد عنوان قرآنی «مقام ابراهیم»، در بافت نزول آیات ۱۲۵ بقره و ۹۷ آل عمران، در مفهوم عام «عبادتگاه ابراهیم» به کار رفته است که مصداق آن، «همه خانه‌خدا» می‌شود؛ ولی سپس بر پایه ویژگی چندمعنایی آیات قرآن، با خوانش فقهی پسانزولی از سوی پیامبر(ص) و امامان، این عنوان قرآنی تنها بر سنگ قدمگاه ابراهیم تطبیق داده شده است. بنابراین، عنوان «مقام ابراهیم»، دچار تغییر انگاره از نوع تضییق شده است(از نظر مفهوم: «عبادتگاه ابراهیم» ← «جای ایستادن (در برابر نشستن) ابراهیم»؛ از نظر مصداق: «همه خانه خدا» ← «سنگ قدمگاه»).

در تحلیل گفتمان تاریخی این عنوان قرآنی، نشان داده شد قرآن با گزینش عنوان «مقام ابراهیم» برای «خانه خدا» در ماجرای تغییر قبله، کنش و واکنشی نسبت به شبه‌افکنی‌های یهودیان و سرزنش‌های ایشان با بهانه انتساب بیت‌المقدس به پیامبران داشته است. قرآن با این عنوان‌گزینی برای

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

«خانه خدا»، دستور تغییر قبله را پیش از تغییر قبله (در آیه ۱۲۵ بقره) و پس از تغییر قبله (آیه ۹۷ آل عمران)، زمینه‌سازی و پشتیبانی کرده است؛ به ویژه آنکه یهویمان با تعبیر «مقام» به معنای «مکان عبادت» آشنا بودند. قرآن به شیوه تجرید و با تاکید بر اینکه کعبه، سرتاسر عبادتگاه ابراهیم (ع) بوده است، در پی ساخت گفتمانی قوی‌تر برای مسلمانان با رویکردی وحدت‌بخش میان پیروان ادیان ابراهیمی برآمده است.

منابع

قرآن کریم

۱. عهد عتیق

۲. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴)، *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن ابی‌زمین، محمد (۱۴۲۳ق)، *تفسیر القرآن العزیز*، قاهره: لغاروق الحدیثه.
۴. ابن ابی‌شیبہ، عبدالله (۱۴۰۹ق)، *الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*، ریاض: مکتبه الرشد.
۵. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
۶. ابن الجعد، علی (۱۴۱۰ق)، *مسند ابن الجعد*، تحقیق: عامر أحمد حیدر، بیروت: مؤسسه نادر.
۷. ابن بابویه، محمد (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن جنی، عثمان (۲۰۰۸). *الخصائص*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۰. ابن حجه، تقی‌الدین (۱۴۲۵ق)، *خزانة الأدب و غایة الأرب*، بیروت: دارصادر.
۱۱. ابن حموش، مکی بن حموش (۱۴۰۴)، *الکشف عن وجوه القرائات و عللها و حججها*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۲. ابن حموش، مکی بن حموش (۱۴۲۹ق)، *الهدایة إلى بلوغ النهایة*، شارجه: جامعه الشارقه.
۱۳. ابن حنبل شیبانی، احمد (۱۴۰۳ق)، *فضائل الصحابه*، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۴. ابن رجب، عبدالرحمن (۱۴۱۷ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقیق: محمود بن شعبان، و دیگران، مدینه: مکتبه الغرباء الأثریه.
۱۵. ابن زنجله، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)، *حجّة القراءات*، محقق: سعید الأفغانی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۶. ابن سید الناس، محمد (۱۴۱۴ق)، *عیون الأثر*، بیروت: دار القلم

۱۷. ابن شَبَّه، عمر (۱۳۹۹ق)، *تاریخ المدینة*، محقق: فهیم محمد شلتوت، جده: السید حبیب محمود أحمد.
۱۸. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیة
۱۹. ابن ماجه، محمد (۱۹۵۲م)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء الکتب العربیة
۲۰. ابن مجاهد، احمد (۱۴۰۰ق)، *کتاب السبعة فی القراءات*، محقق: شوقی ضیف، مصر: دار المعارف
۲۱. ابن هشام، عبد الملك (بی تا)، *السيرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دار المعرفة
۲۲. ابن هشام، عبد الملك، (۱۴۱۰ق)، *مغنی اللیب*، قم: ناشر: کتابخانه مرعشی نجفی (ره)
۲۳. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
۲۴. ابن عطیة، عبدالحق (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. ابن مالک، محمد بن محمد (۱۹۸۹م)، *المصباح*، قاهره: مکتبه الآداب.
۲۶. ابوالسعود، محمد (۱۹۸۳ م)، *ارشاد العقل السلیم الی مزايا القرآن الکریم*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۷. افراشی، آریتا (۱۳۹۵ش). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۸. بشیر، حسن (۱۴۰۰)، «فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش «پدام» با مطالعه موردی بیداری اسلامی»، *روش شناسی علوم انسانی*، سال ۲۷، شماره ۱۰۶، ص ۳۱-۴۸.
۲۹. بلاغی، محمدجواد (بی تا)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: وجدانی.
۳۰. ثعلبی، احمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۳۰ق)، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم* (منسوب به جرجانی)، عمان: دار الفکر.
۳۲. جصاص، احمد (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *تسنیم*، قم: اسراء
۳۴. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار المعرفة
۳۵. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱)، *نقد متن*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۶. زرکشی، محمد (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.

واکاوی گفتمان تاریخی قرآن از عنوان «مقام ابراهیم»

۳۷. ستوده‌نیا، محمدرضا؛ قاسم‌نژاد، زهرا (۱۳۹۲ش)، نقش سیاق در اختیار وجوه قرائات، «تحقیقات علوم قرآنی و حدیث»، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، صص ۵۱-۸۳.
۳۸. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۹. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
۴۰. شانه‌چی، کاظم (۱۳۷۸ش)، حجّ پیامبر(ص)(۲)، «میقات حجّ»، دوره ۷، شماره ۲۸، شماره پیاپی ۲۸، صص ۸۸-۱۱۱.
۴۱. شمس شامی، محمد (۱۴۱۴ق)، *سبل الهدی*، تحقیق: عدل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌ الأعلمی للمطبوعات.
۴۳. طبرسی، فضل (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۴۴. طبری، محمد (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۴۵. طوسی، محمد (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۶. طوسی، محمد (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. طیب‌حسینی، سید محمود (۱۳۹۵ش). «نظریه ای نوین در معنای ظاهر و تنزیل قرآن». *پژوهش‌های قرآنی*. دوره ۲۱، شماره ۷۸، صص: ۶۴-۸۵.
۴۸. طیب‌حسینی، سید محمود (۱۳۹۷)، «نقش پیامبر (ص) در اسباب نزول آیات قرآن کریم»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دوره ۱۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۰، صص: ۱۳۱-۱۵۵.
۴۹. فاکهی، محمد (۱۴۱۴ق)، *أخبار مکة فی قدیم الدهر وحديثه*، محقق: عبد الملک عبد الله دهیش، بیروت: دار خضر.
۵۰. فخر رازی، محمد، (۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۱. فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه‌ الصدر.
۵۲. قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۵۳. قطب، سید (۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
۵۴. کردی، محمدطاهر (۴۲۰ق)، *التاریخ القویم لمکة و بیت الله الکریم*، بیروت: دار خضر.
۵۵. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۵۶. ماسون، دنیز (۱۳۸۵ش)، *قرآن و کتاب مقدس: درون مایه های مشترک*، مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۵۷. ماوردی، علی (بی تا)، *النکت و العیون*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۸. محلی، محمد بن احمد (۱۴۱۶)، *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسه النور.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۶۰. میدی، احمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: امیر کبیر.
۶۱. واحدی، علی (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت: دار القلم.
62. Crystal, David (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Oxford: Blackwell.
63. Dickins, James (2006), "Topic and comment", *the Encyclopedia of Arabic Language and Linguistics*, vol. 4, Versteegh et al. eds., Brill, Pp. 494-501.
64. Lakoff, G. & Johnsen M. (2003), *Metaphors We Live by*, London: The University of Chicago Press.
65. Palmer, F. R. (1976). *Semantics: A New Outline*. Cambridge: Cambridge University Press.
66. Peters, F. E. (1996). *The Hajj: The Muslim pilgrimage to Mecca and the holy places*. Princeton University Press.
67. van Dijk, Teun A. (2013), "Ideology and Discourse", In: *The Oxford Handbook of Political Ideologies*, Eds. Michael Freeden, Lyman Tower Sargent & Marc Stears, Oxford: Oxford University Press, pp. 175-196.
68. 67. van Dijk, Teun A. (2008), *Discourse and Context; A sociocognitive approach*, Cambridge University Press.
69. <https://www.sefaria.org/Berakhot.۶b.۵?lang=bi>